Archive of SID

نشریّهٔ دانشکدهٔ ادبیّات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
دورهٔ جدید، شمارهٔ ۱۸(پیاپی۱۵)زمستان ۸٤

زمینه های نمادین رنگ درشعر معاصر(با تکیه و تأکید براشعارنیما، سپهری و موسوی گرمارودی) * (علمی – پژوهشی)

دکتر ناصر نیکوبخت
استادیار دانشگاه تربیت مدرس
و
سید علی قاسم زاده
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

«رنگ»، بعنوان برجسته‌ترین و نمودارترین عنصر در حوزهٔ محسوسات، از دیرباز تاکنون مورد توجّه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت نافذ خویش نموده است. امروزه رنگ مهمترین عنصر در بروز خلّاقیّتهای هنـری و بهره‌وری محسوب می‌شود؛ چنانکه بسیاری از بزرگان ادبی و هنری جهان چون «گوته» ـ به اذعان خویش ـ مدیون استفادهٔ خلاّق از رنگها و توجّه دقیق بدان بوده اند . رنگ مایهٔ آرامش و هستهٔآرایش جهان است و شاعران ،بعنوان زیبا شناسان جهان آفرینش از واژگان رنگین در عینی تر شدن ایماژهای شاعرانه و کشف و توضیح روابط میان اجزای تصاویر شعری و گاه در راستای تبیین و تلقین مفاهیم بیان ناشدنی فضای نمادین اشعار خویش بهره ها برده اند و تاریخ نماد گرایی انسان

* تاریخ دریافت مقاله :۸۲/۸/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله:۸۳/۱۱/۱۹

www.SID.ir

Archive of SID

نشان داده که او به هر چیز خاصیّت نمادین بخشیده است . رنگ نیز از این قاعده و خاصیّت دورنمانده وگاه از مهمترین عناصر درنماد پردازی شاعرانه گردیده است . لذا این جستار، در پی بررسی و تحلیل زمینه های نمادین رنگ در اشعار معاصر با تکیه‌وتأکیدبرآثارسه شاعر برجستهٔ معاصر،نیما سپهری وموسوی‌گرمارودی است .

واژگان کلیدی: رنگ ، نماد ، نماد رنگ، شعر معاصر

مقدّمه

دردرون خـــود بیـــفـــزا درد را　　تا ببینـی ســـرخ و زرد و سبـز را
کـــی ببینـی سبزو ســـــرخ و بور را　　تا نبینی بیش از این سه ، نـور را
لیک چون در رنگ گم شد هوش تو　　شد ز نور آن رنگهـــا روپوش تـو
چون که شب آن رنگها مستـور بود　　پـس بدیدی دید رنگ از نور بود

(مثنوی معنوی، ابیات ۱۱۲۲-۱۲۲۵)

دنیایی که در آن به نظاره نشسته ایم؛ از دو عنصر مهم تجسّمی شکل گرفته است؛ صورت (form) و رنگ (colore) ، که هر دام بنوعی لازم و ملزوم یکدیگرند. اشیای اطراف ما ، ابتدا از لحاظ شکل و اندازه احساس می شوند و سپس در حالی که پوششی از رنگ دارند ؛ مورد توجّه قرار می گیرند . در هر حال ،رنگ ،علامت مشخّصهٔ هرشیء است ، چنانکه یک گل سرخ بواسطهٔ رنگش، از دور جلب نظرمی کند و توجّه بیننده را به خود معطوف می دارد و یک میوه، با رنگش اعلام می دارد که رسیده است یانه.

اساساً نوع نگرش انسان به عالم پیرامونش،متناسب با نوع بینش وی متفاوت است . یک دانشمند تجربی با رابطه تجربی و منطقی به پدیده ها وبخصوص رنگها می نگرد . پدیده بـــرای او« هست »و پس از مرحلهٔ« هست بودن» به دیدن آن می پردازد و نامش را واقعیّت می‌گذارد ؛ امّا دیدن یک هنرمند، بی تردید جوهری

www.SID.ir

Archive of SID

و درونی است و بیشتر اوقات بدون تفکّر و بررسی منطقی است و بکلّی با نوع نگرش علمی و فلسفی متفاوت است .

در این میان، شاعر نگاه دیگر گونه به هستی دارد . بی گمان واژگان برگزیدهٔ او نیز دیگر گونه است . شاعر با واژگان خویش تجربه های بصری خود را به تصویر می کشد و به نقّاشی با واژگان می پردازد؛بنابراین کار کرد و اهمیّت رنگ در عینی تر شدن و واقع نمایی تصاویر شاعرانه مشخّص می گردد.

البتّه هنرمندان رنگ شناس ، جنبه های فیزیولوژیکی و روانشناسانهٔ رنگها را از نظر دور نمی‌دارند و می کوشند تا حالات مختلف رنگها را از دیدگاه زیبا شناسی (aesthetic)مورد بررسی‌قراردهند.آنان دامنهٔ زیباشناسانهٔ رنگها را درسه حوزه بررسی‌می کنندومعتقدند زیباشناسی‌رنگهامی‌تواندوسیلهٔ تقرّب به این‌سه‌حوزه باشد : امپرسیون(impression)،اکسپرسیون یاهیجان وتأثّر (expression)، کنستراکسیون (construction). (کتاب رنگ،ص ٥٤-٥٥)

بحث

الف) امپرسیون (impression)

«ریشهٔ این واژه « press » به معنی فشار دادن است و im پسوندی است که به سوی درون اشاره دارد . درامپرسیون فرد احساس و تـأثیر یک شی ء بیرونی را به درون خود می برد و از آن متأثّر می شود .» (نقد ادبی،ص ٤٠)

« امپرسیون، به معنی احساس وتأثّر است و ادّعای این مکتب ، آزادی نقّاش از نگاه های سنتی وبنای آن‌برتأثّرات لحظه‌ای‌نقّاش‌است.درنقّاشی امپرسیونیسم،نقّاش، متکی به نگاه خود از جهان است نه آموخته ها و دیده ها و شنیده های کهن ، از این رو آنان نقّاشی را از کارگاهها به هوای تازهٔطبیعت می برد.» (نگاهی به سهراب سپهری،ص ۲۰)

www.SID.ir

Archive of SID

نهضت امپرسیونیسم ،عصیان و حمله ای از جانب نوابغ هنر، علیه هنر رسمی مرسوم و حرکت سریعی بود بسوی تعالی هنر و در نتیجه، ابتکار و حسّاسیّت و کنجکاوی ؛ لذا پیروان این نهضت،در چارچوب قواعد کهنه اسیر نماندند و طبعی خلاّق داشتند .آنان اغلب به احوالات آدمی‌توجّهی نمی‌کردندوکمتر جویای معنای فلسفی یا شاعرانه و یا نتیجهٔ اخلاقی بودند و تنها ضبط وثبت جلوه ها و نمود های آنی مناظر طبیعت را می‌خواستند و دردست آنها « رنگ »بود که به جلوه و درخشش عالی خود می رسید. لذا اساس شیوهٔ امپرسیونیسم،همین توجّه آنی وتصادفی مناظر،یعنی پرداختن از« بود»به« نبود» است.(کتاب رنگ،ص ۱۲-۱٤)

ب) اکسپرسیون (expression)

« کلمهٔ اکسپرسیون ، از دو قسمت ex پیشوند به معنی خارج و «pression »به معنی فشار و فشردگی تشکیل شده است.»(مکتبهای ادبی، ص۷۰۲) اکسپرسیون ،شیوه ای است درهنر(نقّاشی ، پیکر تراشی ، ادبیّات و سینما) که هدف آن انتقال عواطف واحساسات درونی هنرمند، به جهان مرئی است .

یکی از منتقدان معاصر،به نام ای.اج .گامبریج، در کتاب خود به نام « بازنمایی تا بیان »می نویسد : اکسپرسیونیستها، اوّلین کسانی نبودند که بنحوی به استفادهٔ از رنگها در آثارشان توجه کردند...،هیچ رنگی نمی تواندبه خودی خود،نقشی انفجاری یا برانگیزاننده داشته باشد . در آثار نویسندگان اکسپرسیونیسم، این نکته جلب توجّه می کند که کلمات گاهی برای بیان احساسات نهفته ، گویی فریاد بر می آورند . (فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی ،ص ۷۹-۸۱)

«مکتب اکسپرسیونیسم در هنر ، جلوهٔ خود نمایی ناشی از خود شیفتگی است ؛ امّا تظاهرات خصلت خود نمایی نزد هنرمند، بطور کلّی عبارت است از فزون خواهی و جاه طلبی هنرمند ، نیاز عمیق وی به معرّفی و عرضهٔ اثر و بیان

www.SID.ir

Archive of SID

ما فی الضّمیر خویش و وجود منتقدی که او را ستـایش یا نکـوهش کند . » (رمز و مثل در روانکاوی ،ص ۹۰)

« اکسپرسیـونیسم،نوعی عصیان وپیشگویی فاجعه (Apocalypse)است. تجربهٔ انحطاط وبحران تمدّنو احساس،پیش ازوقوع « آخر الزّمان »، این هنرمندان را به فکر تغییر اساسی وضع موجود می اندازد .شور،تغییرعمل، بازگشت ،آزادی و انقلاب ، کلمات رایج در آثار این هنرمندان است.» (مکتبهای ادبی ،ص ۷۰۱)

ج) کنستراکسیون (construction)

کنستراکسیون یا ساختار رمزی و سمبلیک ـ که بنوعی از آن می توان بعنوان سمبلیسم تعبیر کرد ـ از دیگر جلوه های زیبا شناختی رنگها ست .

«درحوالی ۱۸۸۰ م در نسل جوان ادبی وهنری ، نوعی حالت روحی پیدا شد که زائیدهٔناآرامی دربرابر زندگی و بیزاری از تمدّنی کهنه و فرسوده بود.اینان که خود را زندانی دنیای جدید و تبعیدی دنیای خصمانه و افسونگرمی دانستند ؛ قدم از چارچوب خشک و بی روح شعر پاراناسین فراتر گذاشتند و با حسّاسیّت تازه ای،هم‌برضدّاشعارخشن‌پاراناسین‌وهم‌برضدّ قاطعیّت«فلسفهٔ‌تحقّقی» Positivisme و ادبیّات رئا لیستی و ناتورالیستی عصیان کردند واندک اندک به تشکیل کاباره ها و تأسیس مکتب سمبولیسم همت گماردند.» (مکتبهای ادبی ،ص ۵۳۲)

سمبولیستها معتقد بودند: « شعر، نقّاشی نیست ؛ بلکه تظاهری از حالات روحی است . عرصهٔ شعر از آنجا شروع می شود که با حقیقت واقع قطع رابطه شود و این عرصه، تا بی نهایت ادامه پیدا می کند . نمی‌توان گفت که معنی فلان تعبیر در شعر درست تر از فلان تعبیر دیگر است . هدف شعر سمبلیک این است که عظمت احساسات و تخیّلات را با تشریحات واضح و صریح از میان نبریم و برای این کار باید محیطی را که برای شعر لازم است بوجود آوریم؛ یعنی خطوط

www.SID.ir

Archive of SID

زنده و صریح و بسیار روشن را محو و تیره سازیم . این سایه روشن را با تغییر دادن قواعد واحد های کلاسیک و با دور انداختن معانی معتاد ، با بر هم زدن تداعیهایی که بر اثر دستور زبان و سابقه بوجود آمده است؛ می‌توان به دست آورد . » (مکتبهای ادبی ،ص ٥٤٥-٥٤٦)

سمبـولیسم در واقع کوششی برای رخنه کردن در ورای واقعیّت به سوی دنیـای معنیهاست .خواه این معنی در درون شـــاعر و شـامل عواطف وی باشد ، خواه به مفهوم افلاطونی که جهان فوق طبیعی کاملی را آنچنان که انسان آرزومند است ، بنا می‌سازد . (رمز و داستانهای رمزی،ص ۸۲)

سمبولیستهـا، نخستین هنرمنـدانی بودند که آگـاهانه به محتـوا پیش از شکل اهمیّت بخشیدند. بگونه‌ای که از پس تصـویر هر چیز به دنبال معنای ژرف آن می‌گشتند .

رنگ و مفاهیم نمادین آن

در طول قرنها،رنگ برای اشخاص گوناگون معانی مختلفی داشته است .مثلاًرنگ برای «سنت آگوستن» ،انعکاس افلاطونی خدا بود و برای «الزاک نیوتن »، انرژی نوری ، برای « ولفگاگ»، خون ، برای «گوته»، یک ادراک ذهنی و رنج نور، و برای «جان لاک» ،کیفیّتی از اشیایی که می‌بینیم . (رنگ بهره وری ونوآوری،ص ۱۵) لذا از آنجا که نماد بیانگر معانی مختلف است و به یک معنـا محصور نمی شود ، رنگ مهمترین عنصر برای نمـادپـردازی است . نماد رنگ، مکمّل تجربه‌های انسان و بازتابی از نحوهٔ تفکّر مردم روزگاران و پل ارتباطی میان بخش هوشیار و ناهوشیار جهان نا شناخته ، شناخته شده است. مثلاً « در اساطیر خدایان را با رنگهای درخشان توصیف می کردند و یا هندوان رنگ بودا را زرد و طلایی می دانستند». (رنگ بهره وری و نوآوری، ص۱۹) این خود مبیّن نگاه

www.SID.ir

Archive of SID

ماورائی آنان بود. مسیحیان ،رنگ آبی را به حضرت مریم باکره و رنگ سبز را به حضرت عیسی (ع) اختصاص می‌دهند .

زمینهٔ نمادین رنگ، به محیط جغرافیایی ، فرهنگی ، حالات و خصایص روحی هر انسان بستگی دارد . لذا هر رنگی در محیط خاصّ، ممکن است یاد آور موضوعی باشد و هر قومی ممکن است به مناسبت اوضاع اقلیمی خود ، رنگی را دوست بدارد و از رنگی نفرت داشته باشد. مثلاً اعراب جاهلی، رنگ سبز را ـ که یاد آور مراتع و چراگاههای خوب است ـ بیش از هر رنگ دیگری دوست می‌داشتند و در عوض از رنگ قرمز متنفّر بودند. آنان سال قرمز (السنهٔ حمراء) را به معنی خشکسالی، مرگ سرخ (میته الحمراء) را بدترین نوع مرگ و باد سرخ(ریح حمراء) را نیز بدترین بادها می‌دانستند (صور خیال درشعر فارسی، ص۲۷۵). اینکه مسلمانان به رنگ سبز علاقه دارند و رنگ قرمز را رنگ شیطان می‌دانند؛ ریشه در عقاید دینی آنها دارد؛ در حالی‌که رنگ قرمز درژاپن خوشبختی و سعادت و صداقت است، خاصّه زنان ژاپن، لباس قرمز می پوشند ودرجشن میلاد کهن، به نشانهٔ آرزوی خوشبختی، برنج را قرمز رنگ می کنند.

بر طبق تحقیقات انجام شده ، سیاه و سفید اوّلین رنگهایی هستند که به نماد بدل شده اند ؛ زیرا انسان اوّلیّه، بیشترین تأثیر را از سفیدی روز و سیاهی شب اخذ کرده بود . از آنجا که بین انسان و پیرامونش زبانی مشترک وجود نداشت تا ادراک طرفین را فزونی بخشد؛اندک اندک آدمی دریافت که در رنگهای موجود طبیعت همانندعلامت رمز ، هر یک رازی نهفته است، لذا در پی کشف آن برآمد.

زمینهٔ روحی نماد پردازی نیز بدلیل حرکت خیزشی و جوششی آن ـ که ریشه دراحساسات و عواطف و تأمّلات درونی دارد ـ در اشخاص مختلف متفاوت است . مثلاً یکی رنگ زرد را نماد نفرت و دیگری نماد مهرورزی و شخصی

www.SID.ir

Archive of SID

نشانهٔ مرگ و بیماری و برخی آن را نمادخیانت یا دهها چیز دیگرمی‌دانند؛لذا نمادها برای همهٔ افراد یکسان جلوه نمی‌کنند. با این همه، مفاهیم نمادین رنگها را بطور عام و کلّی می‌توان اینگونه بر شمرد:

سفید: در تحلیل رنگ« سفید» ،که اغلب با بی رنگی مرادف است ، معصومیّت غیر قابل لمس و تزکیه را می توان دریافت. رنگ سفید نماد صلح و آزادی است ، به همین جهت، رنگ پرچم صلح سفید است . البتّه سفید در برخی کشورها چون چین، لباس عزا و ماتم است و در قلمرو غزنویان وعبّاسیان، همین معنا را داشته است. (تاریخ بیهقی،ص ۱۳) بنابراین سفید در مفهوم مثبت خود، نماد روشنایی ، قداست و معصومیّت و در مفهوم منفی خود، نماد مرگ و وحشت و عناصر فوق طبیعی است (اسطوره و بیان نمادین،ص ۲۲) . البتّه گاهی سفید در نشانهٔ مرگ و عزا نیز مفهوم مثبتی ایفا می‌کندچنانکه پوشیدن کفن سفید برای مردگان نماد آرزوی سعادتمندی و عاقبت به خیری در جهان برین است . در دین اسلام نیز پوشیدن لباس سفید بسیار تأکید شده است،چنانکه از پیغمبر اسلام روایت شده است که: لیس من لباسکم شیء احسن من البیاض فالبسوه. (اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر، ص۷۳)

رنگ سفید در عرفان نیز مفاهیم نمادین خاصّی دارد. در فتوّت نامهٔ سلطانی آمده است که «اهل تصوّف آنگاه که خرقهٔ سفید می پوشند؛ نشان این است که پوشندهٔ آن دلی روشن وعاری از غبار حقد وکینه دارد».(فتوّت نامهٔ سلطانی، ص٦٧)آنان همچنان معتقدند: «گرسنگی، مرگ سفید است؛ زیرا باطن را نورانی وچهرهٔ قلب را سفید می کند وچون سالک سیر نشود وهمیشه گرسنه بماند؛ پس به مرگ سفید (موت الابیض) مرده است.»(اصطلاحات الصّوفیه، ص ۱۹۰)

www.SID.ir

Archive of SID

سیاه: رنگ «سیاه»،نماد شب ، ظلمت ، غم ، وحشت ، اضطراب و رنگ اندوه و مرگ است . این رنگ را رنگ شیطان و اهریمنان دانسته اند و رنگی برای پوشیدگی و راز داری و جنایت و دزدی است . سیاه، رنگ ماتم و عزاست. کلماتی چون ، سال سیـــاه (سال خشکی و کم باران)، جامعهٔ سیاه و غیره نمایانگر تأثیرات منفی این رنگ است. دراصطلاحات عرفانی آمده «مرگ سیاه (موت الاسود) تحمّل آزار از خلق و نشان فناء فی الله است.(اصطلاحات الصّوفیه ،ص۱۹۲) این رنگ - که رنگ شب است-نشان کتمان ورازداری است وسالکی که خرقهٔ سیاه می پوشد؛ باید اسرار طریقتی خویش را مخفی بدارد. (فتوّت نامهٔ سلطانی، ص٦٨)

آبی: رنگ «آبی» ،نماد ایثار، صلح و آرامش است و بیشتر مورد علاقهٔ اشخاص بالغ و متعادل و متواضع است .آبی، رنگ معنویّت و ایمان ،امید و پیروزی است.چینیها، آبی را نماد فناپذیری ، انگلیسیها، رنگ بد خُلقی و افسردگی ، یونانیان، آن را نمادی از ظلمت می‌دانند؛ دراسترالیا،صمیمیت و وفاداری، در برزیل، آسایش وخونسردی،در فرانسه وایتالیا، تداعی‌کنندهٔ ترس و در پرتغال، حسادت و در سویس، نماد خشم و طغیان است.(نگاهی به سهراب سپهری، ص۱۰۳)

در فرهنگ سمبلها (ص ٥٤) ، آبی، به خدای خدایان ژوپیتر (مشتری) و همسرش جونو(Juno) منسوب است ورمز احساسات مذهبی و عصمت و تقدّس محسوب می‌شود. (نگاهی به سهراب سپهری، ص۱۰۳) رنگ (آبی)، معمولاً بسیار مثبت ارزیابی می‌شود و در حقیقت، احساس مذهبی ، امنیّت و خلوص معنوی را تداعی می کند.

در مصرباستان، آبی نشانهٔ حکمت و در چارچوب نسب، نماد دادگری، فروتنی، وفاداری، پاکدامنی، شادی، درستی، آوازهٔ نیک ، عشق و خوشبختی

www.SID.ir

Archive of SID

جاودان است. طبق متون کهن بودایی نیز از میان سی و دو امتیازی که یک مرد بزرگ باید دارا باشد؛ یکی داشتن چشمهای نیلی است . کلیسای انگلیسی که سنت ساروم (sarum) را دنبال می‌کنند ، آبی را نشانهٔ امید ، عشق به امور الهی ، صداقت و پرهیزکاری می داند . (اتاق آبی،صص ۲۳-۲٤)

سبز:رنگ «سبز»، در مقام آرامترین رنگها، نماد ایمان ، عقیده به رستاخیز و محشر است؛ زیرا سبزحیات دوباره است . در آداب و رسوم مذهبی ، سبز مظهر ایمان و انتظار نجات است و همانند آبی، نشانهٔ تقدّس و پاکی است . رنگ سبزدر اصطلاحات عرفانی نشانی از عالی همتان وزنده دلان است. مرگ سبز(موت الاخضر) به پوشیدن خرقهٔ بهم بافته‌ای که بر زمین انداخته شده وارزشی ندارد اطلاق شده است ؛پس هرگاه از لباس زیبا به آن بسنده شود؛ مرگ سبز اتفاق خواهد افتاد زیرا ؛ زندگی اش با قناعت سبز ورویش با شادابی جمال ذاتی شادمان می شود.(اصطلاحات الصّوفیه ،ص ۱۹۱)

قرمز:رنگ « قرمز »، با بلندترین طول موج ، نمایندهٔ آتش، نماد زندگی، قدرت ، ایثار و عشق است . رنگ قرمز فرماندهنده است؛ به همین دلیل، در چراغهای راهنمایی برای نشان دادن حالت توقّف ،از این رنگ استفاده می‌شود . رنگ قرمز را نمادی از قدرت مردانه دانسته‌اند که حالات مردانگی (آنیموس) را تحت تأثیر قرار می دهد . در مصر، این رنگ محافظ آتش ، در ژاپن، نشانهٔ خوشبختی، و در دیدگاه سوسیالیستها و کمونیستها، نشانهٔ آزادی بود.(رنگ و تربیت،ص ۷۸-۸۰)

بعلاوه، رنگ قرمز را نماد حیات و زندگی و عامل مؤثّری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان و بیان کنندهٔ هیجان و شورش دانسته‌اند.(کتاب رنگ،ص ۲٤۱) «درکُلّ، قرمز علاوه بر نماد شور و نشاط و خون ، نشانهٔ شرم و حیا و عشق است و در اکثر دنیا،تقریباً به همین مفهوم رایج است .» (رمز پردازی‌آتش،ص ۱۳۱)

www.SID.ir

Archive of SID

زرد: رنگ«زرد »،رنگ ابدیّت و جاودانگی است . این رنگ در کشورهای مختلف مفاهیم خاصّی دارد. در چین و تمدّن مسیحی غرب و تا حدودی در کشور ایران،رنگ زرد ، رنگ تقدّس است و به همین دلیل، هنگام کشیدن تصاویر بزرگان دین، معمولاً هاله ای از این رنگ دور سر آنها را در برمی گیرد. با این حال، در فرهنگ عامّه و ادب فارسی و بطور کُلّی در فرهنگ جهانی، رنگ رشک، خیانت، یأس، بلا و ناامیدی است. (رنگ درتصویر سینمایی،ص ۷٤-۷۵) گویند علت اصلی مفهوم منفی رنگ زرد در ایران ـ که نشانگر یأس و ناامیدی و بیماری است ـ بیماریی به نام یرقان بود که به زردی شهرت داشت و موجب مرگ و میر فراوان شد. (رنگ و تربیت ،ص ۷۰)

در قرآن کریم نیزبه مفهوم مثبت زرد، در سورهٔ بقره، آیهٔ ٦۹ «انها بقرة صفراء فاقع لونها تسّر الناضرین»، و مفهوم منفی آن در سورهٔ مرسلات، آیهٔ ۳۳ «کانه جماله صفر» اشاره شده، چنانکه آتش جهنم را به شتــران زرد رنگ تشبیه کرده است.

بنفش: این رنگ که جـامع مفاهیم نمادین قرمز و آبی است ؛ نشانگر اندیشه های متفکّرانه و عارفانه ، رنگ روحانیّت و وقـار و عزّت نفس است . بنفش را رنگ تقوا دانسته اند و نمــادی از دوران گذر در این دنیا از زندگی به مرگ (رنگ در تصویر سینمایی ،ص۸۱).

رنگ و زمینه های نمادین آن در اشعار معاصر

نگرش دقیق و عمیق شاعران معاصر و آگاهی آنان از آثار روانی و فیزیولوژیک رنگها جلوه ای نمادین به مقولهٔ رنگ بخشیده است . نتایج تأمّل و ژرف اندیشی در زمینه های نمادین رنگها در اشعار شاعران معاصر، خود مبیّن همین مدّعاست. از این تأمّلات بر می‌آید که اوّلاً گسترده‌ترین حوزهٔ نماد پردازیهای رنگ ، جامعه

www.SID.ir

Archive of SID

وفضای حاکم بر روزگار شاعران و تجربه های سیاسی و اجتماعی آنهاست که از آن می توان بعنوان برترین خصیصهٔ شعری نسبت به مقولهٔ رنگ نام برد.آرمان گرایی (ایده آلیسم) حاکم بر جهان‌بینی شاعران معاصر از یک سو و درباری نبودن یا وابسته نبودن آنها به طبقات خاص از سویی دیگر ، آنان را سخت نسبت به جامعهٔ خود مسئول بار آورده است ؛ لذا برای خویشتن رسالتی اجتماعی قائل شده ودر برابر هر ظلم و بی عدالتی و نابسامانی و ناراستی، سکوت را شکستند و ندای اعتراض آمیز خویش را به زبانی نمادین بیان کردند. بنابراین «اغلب شاعران معاصر با پیروی از نیما و پذیرش مسئولیّتهای چهار گانهٔ ابداعی او (مسئولیّتهای زمانی، مکانی ، اجتماعی و ادبی)، لزوم تحوّل در اجتماع را ، حتی به شکل ملموستر از خود نشان دادند. زشتیها را بیرحمانه در تصاویر و سمبلها ریختند و خواستند روزنی به سوی نور و نقبی به سوی روز بزنند و نمایندهٔ روح خفقان آور محیط باشند.» (طلا درمس ،ص ۲۲۹)

عوامل نمادگرایی شاعران معاصر با دستمایهٔ رنگ

۱-گسترده ترین بستر نمادین رنگ در شعر معاصر، از مسائل سیاسی و اجتماعی و حوادث حاکم بر جامعه نشأت می گیرد و این تقریباً برخلاف سیر گرایش شاعران کلاسیک است ؛ چرا که در شعر کلاسیک فارسی، مفهوم « سمبولیسم اجتماعی » ،کمتر وجود داشت و شاعران کلاسیک ما « کمتر به مسائل اجتماعی ، از قبیل فقر ، بیداد گری حاکمان و بیان وضع طبقات پایین اجتماع ...پرداخته‌اند واصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی‌دیدندیا نادیده می‌گذاشتند.» (حافظ نامه،ص ۳۱)

۲- از آنجا که شاعران معاصر، اغلب در فضای حاکم بر روح و ذهن خویش ـ که متأثّر از ویژگیهای روحی ، حوادث و تجربیّات زندگی آنان است ـ شعر

www.SID.ir

Archive of SID

می‌سرایند؛ زمینهٔ نمادهای شخصی و فردی رنگها در آثار آنها نمود و جلوهٔ خاصی می یابد .

۳-ازآنجاکه اساس زبان شاعران معاصر برآشنایی زدایی(Defamilarization) استوار است؛«یکی‌از راههای آشنایی زدایی‌یا بیگانه‌سازی(Making Dirfferent)؛ روی آوردن به سمبل یا نماد است ، چرا که هیچ نقطهٔ آشنایی برای خواننده باقی نمی‌گذارند.» (ساختار و تأویل متن،ص ٤٨) رنگ در شعر معاصر، یکی از عناصر بارز در نماد پردازی برای آشنایی‌زدایی است؛ مثل تشبیه عشق به انسان و نسبت دادن چهرهٔ سرخ یا آبی یا سبز به آن.

ناگفته نماند که زمینه هــای مذهبی و دینی و گاه اسطوره ای در شعر همهٔ شاعران معاصر و گاه در شعر برخی، بوفور یافت می شود که در بررسی بسترهای نمادین رنگهای شاعران معاصر، از آنها یاد خواهیم کرد .

رنگ و زمینه‌های نمادین آن در شعر نیما

۱- سیاه: پرکارترین و آشکارترین رنگی که جنبه‌های نمادین آن بر سراسر اشعار نیما سایه افکنده ؛ رنگ سیاه و سیاهی است و گسترده ترین حوزهٔ معنایی آن ظلم و ظلمت و ناامیدی است که گاه متأثّر از فضای خفقان آور جامعه و گاه ناشی از حال و هوای روحی و روانی اوست .اساساً نیما شاعری مردمی و سرشاراز تعهّد اجتماعی است ومبارزه با ظلم و ستم وبی عدالتی و فقر وگرفتاری مردم،از مضامین رایج اشعار اوست که « در کنار این عواطف، غم و اندوه حــاصل از برخورد تحقیر آمیز و بی منطق کسـانی که از روی جهل یا عادت یا حسد با شعر او مخالفت می ورزیدند و بر مشکلات زندگی او می افـزودند و روزهای او را تلخ و روح او را مکدّر می‌ساختند»(خانه ام ابری است،ص ۸۹) زمینه را برای نمادین کردن رنگ سیاه مهیا نموده است. بویژه کاربردعنصر «شب»که متداولترین نماد

www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی اشعار نیماست و متأثّر از اوضاع جامعهٔ پیش از انقلاب و ظلم و فساد و استبداد و بی‌عدالتی حاکم بر آن است، خود بر این ادعّا صحّه گذارد. برای مثال: در تمام طول شب/ کاین سیاه سالخورد / انبوه دندانهایش می‌ریزد/ یکسره روی جهان هست سیه در نظرم/ نایدم چیزی در چشم سفید (مانلی) روز می‌گردد با روز تباه/ هر سپید آمد پیغام سیاه/ تو سراسیمه مباش/ شور این کار مخواه/ شب سیاه آمد ، امّا سحرست/ بر در صبح ما را گذری‌ست (پی دار و چوپان)

گاه سیاهی به نشانهٔ ماتم و عزا بکار رفته ـ که سابقهٔ آن در اشعار کلاسیک نیز بسیار فراوان است ـ و در واقع ،جزو نمادهای عمومی و پیش پا افتاده محسوب می‌گردد .

عیب بر حسن تا خروشیده است حسن مردم سیاه پوشیده است (قلعهٔ سقریم)

۲- سفید: سفید و روشنی، دومین رنگی است که در اشعار نیما زمینه های نمادین آن بوفور یافت می شود . نیما این رنگ را نمادی از امیدواری ، سعادت و بهروزی ، آزادی و عدالت بکار برده است . واژهٔ صبح و سحر نیز در راستای همین مفهوم نمادین کاربرد فراوانی در دیوان او دارد و گاه نیما از مفهوم نمادین سپیدی ، برای آشکار شدن مفاهیم «صبح و سحر » ـ که هر دو از نمادهای اجتماعی و رمز آزادی و عدالتند ـ استفاده کرده است:

می‌شود روز سپید / همه خواهیم دید . (شهید گمنام)

خلق می‌گوید: «می‌رسد اردو / می نهد این مرد سوی خانه رو » / زن امیدت کو ؟ / این امید من ـ کو طلوع صبح سفید من ؟ (خانوادهٔ یک سرباز)

گاه این رنگ از زمینه های مذهبی و فرهنگ عامّه، مایه می گیرد :

کوچید کاروان که به ده بوده مدتی/ درچادر سفید عروس ایستاده است/ باچه طراوتی

www.SID.ir

Archive of SID

(او را صدا بزن)

۳ – سرخ و سبز: نیما ،بیشترازبن مایه های دینی و مذهبی رنگ سرخ و سبز در توصیف نمادهای شعر خویش بهره می‌جوید. برای مثال:

صبح شد صبح چون روی گشود / هیچکس بر زبر راه نبود / ابرهاروی افق سرخ ودونیم/ می‌وزد از طرف غرب نسیم / غنچه های گل سرخ / همه لب خنده زنـان (شهید گمنام)

نیما در این شعر، از مفهوم نمادین سرخ که درآموزه های دینی و فرهنگی امروز، نماد شهادت و ایثار است؛ بهره جسته و بـرای توصیف شهید از گل سرخ استفـاده کرده است . در فرهنگ نمـادها (ص۲۷۵) آمده که« گل سرخ رمز کمال است»(نگاهی به سهراب سپهری،ص ۱۱٤) لذا شهادت نیز که رویکردی متعالی و کمال جویانـه است؛ با آن بی تناسب نیست . در فرهنگ امروزی ،شهادت اعتراض سرخی است بر حاکمیّت سیاه .

بر پای بید نشسته تمام روز / افکنده سر فرود / چون شاخه های بید .... / ای عاشق فسرده بخوان زیر بید سبز (ای عاشق فسرده)

سبز، نماد عشق و معنویّت وسعادت است ویکی از نشانه‌های عاشق، سرسبزی و شادابی است و بید نیز به عاشقی مثل است .

٤– زرد: نیما گاه با آگاهی از مفهوم نمادین رنگ زرد از آن در توصیف و باز شناسی تصاویر و مفاهیم ذهنی خویش بهره می‌جوید :

وقت غروب که بر کهسار / آفتاب / با رنگهای زرد غمش هست در حجاب / تنها نشسته بر ساحل یکی غراب / وز دور آبها همرنگ آسمان شده اند / و یکی بلوط زرد از خزان کرده است / روی پارچه رنگی به سر سقوط (غراب)

www.SID.ir

Archive of SID

غروب ، غراب و خزان، نماد هایی از جامعهٔ تیره و خفقان زده و ستمگران روزگار شاعر است. روشن است، رنگ زرد با مفاهیم نمادین آن- که رمز پژمردگی و اضطراب و غم و تنفّر است ـ در القای تصویر نمادین شعر چه اندازه مؤثّر است .

زردها بی خود قرمز نشدند/ قرمزی رنگ نینداخته است/ بی خودی بردیوار (برف)

در این شعر، شـــاعر از طریق تجربهٔ طبیعی ،قرمز شدن دیـوار زرد اتاق خودرا معلول عواملی می داند ومی گوید پس از آشـــوب برف و باد شب گذشته، باید صبح فرا رسیده باشد؛ امّا ارتباط دادن این واقعهٔ طبیعی و تداعـی ذهن حسـّاس و مستعد شاعر با واقعه‌ای اجتماعی متناسب با آن، فضای نمادینی بوجود آورده است که بدون تأویل قابل دریافت نیست . نیما ،زرد را نماد کشور چین و سرخ یا قرمز را نمادپرچم سرخ کمونیستی شوروی دانسته و قرمز شدن زرد ها را اشاره به انقلاب کمونیستی چینیها دانسته است.«هانری مارکانت»، مؤلّف کتاب انقلاب چین نیز نام کتاب خود را «زردهای سرخ » گذاشته بود. (خانه ام ابری است،ص ۲٤۲-۲٤۳) با این حال، فضای طبیعی سرخ شدن رنگ زرد دیـــوار نی در شعر نیما و ارتباط آن به انقلاب کمـــونیستی چین ، درگیریهای ذهنی او را که همان انتظار انقلاب و تحوّل است ، می رساند . این نمادها نیز از جمله نماد های بکر و شخصی نیما و در نهایت شعر معاصر است .

رنگ و زمینه های نمادین آن در شعر سپهری

سپهری، شاعری آرمانخواه و عارف مسلک است . اعتقاد به آیندهٔ روشن و امید به رهایی و پیوستن به جهان مینوی، بدور از کینه ها و بی عدالتیهای اجتماعی ومادّی از برجسته ترین ویژگیهای اوست. بطور کلّی، نگرش عرفانی و شهودی و کشف

www.SID.ir

Archive of SID

گونهٔ سپهری به عناصر طبیعت و توجّه به آموزه های «کریشنامورتی » تا سفر به دنیای بودا و سرکشیدن به رمز و راز « وداها » تا مولوی و اسرار التّوحید و ... همه و همه ،خلوتهای گره خورده ای از واقعیّتهایی است که بزودی با زبان رؤیاها و با عناصری از طبیعت و انسان ، در قلمرو شعر سپهری، ما را با نوعی از جنس اسطوره و ارزشهای اخلاقی ، در فضای کاملاً صوفیانه همراه با آمیزه‌هایی از ریاضت و سلوک روبرو می سازد . لذا این جهان بینی اخلاقی و اپیستمولوژی (معرفت شناسی) عرفانی ، از وی شاعری کمال جو و عارفی خوش بین ساخته است که جهان را زیبا و قلم صنع الهی را بی نقص و خطا می بیند . روشن است در چنین فضای ذهنی و روحی ، آبی و سبز بیشترین گسترهٔ نمادین رنگها را به خود اختصاص می دهند . لذا رنگ سبز و آبی با تمام بن مایه‌های عرفانی و دینی و روانیشان در اشعار او حضوری پر شور دارند.

۱- آبی: رنگ آبی در اشعـار سپهری، نمـاد آرامش و آسـایش ، صداقت و پاکی است و سپهری اغلب به این مفاهیم نظر داشته است و شاید اتاق آبی سپهری که بر خاطرات روزگار کودکی اش سایه افکنده بود و سپهری را با یاد و خاطراتش تسکین می‌داد؛ در گزینش و گرایش او به مفاهیم نمادین رنگ آبـی بی تأثیر نبوده است.

آبی، محمل عبادت و اتّصال سپهری با حق بود (اتاق آبی،ص ۲۲) و جای تعجب نیست که برای سپهری بیشترین مفهوم نمادین را داشته باشد . سپهری در اتاق آبی می‌گوید:«تماشای آبی آسمان، تماشای درون است . رسیدن به صفای شعور است .آبی هستهٔ تمثیل مراقبه و مشاهده است . در مصر قدیم، آبی نشانهٔ حکمت بود ... وبطور کُلّی، در میان چیزهای خوب دنیوی، زیبایی، نرمی ، اصالت، پیروزی ،استقامت،ثروت،تیز بینی و آسایش را می‌رساند.»(اتاق آبی،صص

www.SID.ir

Archive of SID

۲۳-۲۵)بی شک،نگرش و بینش این چنینی سپهری به رنگ آبی،مبیّن نمادین ترین رنگ در اشعار اوست .

آبی بلند خلوت ما را می آراید (آواز آفتاب ، خوابی در هیاهو)

و نپرسیم چرا قلب حقیقت آبی است . (صدای پای آب)

.... و در آن عشق به اندازهٔ پرهای صداقت آبی است . (حجم سبز ، نشانی)

بی‌گمان در ده بالا دست ، چینه ها کوتاه است/ مردمش می‌دانند ، که شقایق چه گلی است / بی گمان آنجا ، آبی ، آبی است . (حجم سبز ، آب)

البتّه، سپهری یک بار نیز آبی را رمز تعلّقات ودلبستگیها دانسته که در راه وصال و آرمان شهر خویش باید از آن دل کند و این رمزی است که ریشه در آموزه های عرفا نی دارد که قبلا بدان اشارت رفت.

قایقی خواهم ساخت / خواهم انداخت به آب ... / قایقی از نور تهی / و دل از آرزوی مروارید / همچنان خواهم راند / نه به آبیها دل خواهم بست / نه به دریا (حجم سبز ، نشانی)

۲- رنگ سبز در اشعار سپهری ریشه در بن مایه های فرهنگی و دینی او دارد و اغلب نماد آرامش ، حیات ، سعادت و معنویت است .

نرسیده به درخت / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است. (حجم سبز ، نشانی)

و گاهی سبز را نماد هر چیز نیکو و زیبا می داند :

و بیاریم سبد / ببریم این همه سرخ ، این همه سبز (صدای پای آب)

۳ - سپیدی:رنگ سپید نیز در اشعار سپهری، رنگی مقدّس و نمادی از پاکی و صداقت و راستی است .

www.SID.ir

Archive of SID

و اسب یادت هست/ سپید بود/ و مثل واژهٔ پاکی، سکوت سبز چمن را چرا می‌کرد . (مسافر)

ولی مکالمه ،یک روز محو خواهد شد / و شاهراه هوا را / شکوه شاپرکهای انتشار حواس/ سپید خواهد کرد . (صدای پای آب)

٤ . سیاه: اگر چه رنگ سیاه در اشعار سپهری ـ بعد از سبز ـ از بسامد بیشتری برخوردار است؛ غالباً آن را در مفاهیم نمادین بکار نمی برد .چه بسا گاهی بعنوان رمزی از ظلمت و تباهی و وحشت تاریک حاکم بر روزگـار یا حال و هوای روحی شاعر اشاره دارد ومربوط به اوایل دوران شاعری سپهری است؛ یعنی شعرهای «مرگ رنگ» و «زندگی خوابها» (مصادف با سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲). چرا که سپهری هنوز به دنیای ذهنی خویش ـ که در «صدای‌پای آب» ، «مسافر» و« حجم سبز» بــه آن می رسد ـ نرسیده و در حالتی بین دنیای درون و فضای اجتماعی عصر خویش در نوسان است. (از مصاحبت آفتاب،ص ۳۲) بنابراین با توجّه به فضای سیاست زدهٔ آن عصر ، رنگ ناامیدی و بدگمانی و منفی انگاری نسبت به اجتماع و زمانه در سراسر ذهن او سایه افکنده است و از تاریکی، افسردگی، پژمردگی، شب، غم و ترس در «مرگ رنگ و زندگی خوابها » سخن می‌گوید. بعنوان مثال، این نومیدی و غمناکی روحی شاعر را در تصویر شعری زیر از« مرگ رنگ» می‌توان مشاهده کرد :

دیری است مانده یک جسد سرد / در خلوت کبود اتاقم/ هر عضو آن ز عنصر دیگر دور مانده است / گویی که قطعه قطعه دیگر را از خویش رانده است .

با این تفضیل به نمونه ای از این زمینه های نمادین سیاه اشاره می‌کنیم :

رنگی کنار شب / بی حرف مرده است / مرغی سیاه آمده از راههای دور / می‌خواند از بلندی بام، شب شکست (مرگ رنگ ، مرگ رنگ)

www.SID.ir

Archive of SID

نیست رنگی که بگوید با من / اندکی صبر ، سحر نزدیک است / هر دم این بانگ بر آرم از دل : / وای این شب چه قدر تاریک است . (مرگ رنگ ، غمی غمناک)

۵. سرخ: سپهری از رنگ سرخ نیز بعنوان رمز هر چیز نیکو و زیبا استفاده کرده است:

و بیاریم سبد / ببریم این همه سرخ ، این همه سبز (صدای پای آب)

و بار دیگر از رنگ سرخ و مفهوم نمادین آن در ترکیب گل سرخ استفاده کرده است :

من مسلمانم، قبله ام یک گل سرخ (صدای پای آب)

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ / کار ما شاید این است / که در افسون گل سرخ شناور باشیم (صدای پای آب)

گل سرخ،رمز حقیقت و معرفت است .در «فرهنگ سمبلها» آمده : گل سرخ اساساً رمز کمال است و از این رو به هر چیز کامل و متعالی از قبیل دل ، بهشت و معشوق دلالت دارد . سپهری می‌گوید : نمی‌توان اسراروجود را شناخت ، امّا می‌توان در رمز و رازهایش زیست و مُرد.»(نگاهی به سهراب سپهری،ص ۱۱٤)

رنگ و زمینه‌های نمادین آن در شعر موسوی گرمارودی

با آغاز تهاجم فرهنگی ـ هنری غرب به مرزهای فرهنگی، عقیدتی وحتی هنری وادبی جهان سوم و همراهی گروهی روشنفکر بی هویّت باآن جریان، دیری نگذشت که پاره ای از نویسندگان وهنرمندان، مرعوب وشیفتهٔ موهومات جهان سرد و فسردهٔ صنعتی غرب گردیدند وخود باوری در زیرغبار غرب محوری از یادها رخت بر بست وتعاریف اغراق آمیز مکاتب غرب از انسان و نیروی مرموز اودرحوزهٔ نهضتهای پوزیتویستی، بر جهان سوم سایه ای ازغفلت وکج اندیشی

www.SID.ir

Archive of SID

افکند.درچنین فضایی برخی شاعران متعهّدو آرمانگرا،با ارائهٔتفکّر مذهبی و سنن دینی در قالب زبان شعر،به مبارزهٔاین جریان شوم و وارداتی پرداختند . از جملهٔاین شاعران و طلایه داران ، یکی موسوی گرمارودی است . بدیهی است که حاکمیّت ایـران پیش از انقلاب از چنین جریانهایی، چندان حمایت نمی کرد و گاه در صدد مقابله با آن بر می آمد. شاهدآشکار این جهت گیری،به زندان افتادن چندین بارهٔگرمارودی است.(دستچین، مقدمه) بنابراین،شاعران آرمانگرا، برای اینکه فریاد اعتراض سر دهند و در عین حال،از گزند مخالفان در امان باشند ؛دست به رمز پردازی زدند و کوشیدند تا سرّ دلبران را درحدیث دیگران دنبال کنند.ازآنجاکه مخاطبان چنین شاعرانی، مسلمان و شیعه مذهب بود؛آنان بهترین زمینه و بستر را برای دنبال کردن مقاصد سیاسی واجتماعی خویش ،در مفاهیم و مضامین دینی جستجو کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این شاعران ـ بخصوص گرمارودی ـ با رویکردی همه جانبه بسوی دین و استفاده از مفاهیم رنگها ، به توصیف دلاور مردیها و ایثارگریهای جوانان پرشور در جبهه های حق علیه باطل پرداختند .تفاوت عمدهٔ این رویکرد نمادین با رویکرد نمادین قبل از انقلاب ،در ژرف ساخت و مقاصد استفاده از آنها نهفته است.بدین‌گونه که عمده‌ترین هدف شاعران در استفاده از مفاهیم و مضامین دینی و نماد پردازیهای رنگین ، اهداف سیاسی و اجتماعی و بر آوردن فریاد اعتراض بر ظلمت جامعه و بی عدالتیها و مفسده های حکومت بود ؛ در حالی که این رویکرد دینی در بعد از انقلاب و تصویر سازیهای نمادین ،بیشتردر خدمت تمجید از ایثارگریها ،ازخود گذشتگیها، صداقت ،صفا و صمیمیّـــت، الگو سازی برای قشر عظیم جوانان تشنهٔ حقایق بود .

www.SID.ir

Archive of SID

بنابراین، بدیهی است که بیشترین بسترهای نمادین رنگها در اشعار گرمارودی از بن مایه‌های دینی و فرهنگی مایه بگیرد. پر بسامد ترین رنگها در شعر حماسی و پرشور و متعهّد گرمارودی عبارتند از:

۱- رنگ سرخ : این رنگ ،با تمام مایه‌های مثبت دینی خویش، بیشترین و گسترده ترین حوزهٔ نمادین رنگ را در اشعار گرمارودی در بر دارد و اساساً رمز ایثار ، شهادت ، عشق، شادابی ، ایمان و گاهی نمادحرکت انسان ساز امام حسین(ع) است:

- مرگ سرخت تنها نه نام یزید را شکست / و کلمهٔستم را بی سیرت کرد / که فوج کلام را در هم شکست (خط خون ، خط خون)

- تو قرآن سرخی / « خون آیه » های دلاوریت را / بر پوست کشیدهٔ صحرا نوشتی / و نوشتارها / مزرعه ای شد / با خوشه های سرخ . (خط خون ، خط خون)

در دو مثال فوق « مرگ سرخ » و « قرآن سرخ »،هر دو به واقعهٔ عاشورا دلالت دارند . مرگ سرخ، نمادی از شهادت و قرآن سرخ، نماد امام حسین (ع) وخوشه های سرخ، نماد شهداست؛ زیرا از خون امام حسین (ع)، درخت شهادت بارور شد .

میان،بسته/ وبازوان گشاده/ وهودج عشقی سرخ/ ازحریرخون گذشت.(خط خون ، چمران)

سرخی، نمادی از شهادت است و اشاره به شهادت شهید چمران دارد که در تیر ماه ۱۳٦۰ سروده است.

- ای بهار سرخ ، برپاشو به باغ/ از حباب خون ، بر افروزان چراغ.(چمن لاله ، افطار خون)

www.SID.ir

Archive of SID

بهارسرخ، رمزی از شهید اندرزگو است وسرخی نمادی ازشهادت او (دستچین، چمن لاله،ص ۱۳۸) . این دومثا ل اخیر، هر دو از تصویرهای نمادین شخصی او هستند .

۲ – رنگ سبز: این رنگ نیز با تمام بن مایه های دینی و فرهنگی خویش در اشعار گرمارودی حضور دارد ونمادی از آرامش ، حیات و جاودانگی و گاه نماد تقدّس و پاکی است .

– خوشا روزی که سرخ بمیرم و سبز بر آیم . (خط خون ، مرگ سرخ)

– الهی از تو دور افتاده ام دور تو نزدیک من و من از تو مهجور

توخواب سبز دشتی در بهاران تو را آییه دارنـــــد آبشـــاران

(در سایه سار نخل ولایت ، نماز سرخ)

– سرسرای سینه ام از شاخ و برگش سبز بود

نیک می دانی که این سبزی چه مایه جانفزاست (سفر فطرت)

– آه ای سبز ، ای سبز سرخ . (خط خون ، خط خون)

دراین ابیات، گرمارودی سبز و سبز سرخ را هر دو نمادی از« امام حسین (ع)» دانسته است . منظور از آوردن رنگ سبز، اشاره به حیات جاوید شهید دارد که«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» (آل عمران، ۱٦۹) و سرخی ـ که نماد شهادت است ـ نشانهٔ سروروشادابی شهید ازشهادت است؛ زیرا سرخی چهره بیانگر رضایت کامل واصل به پیشگاه محبوب است .

۳. سیاه: در اشعار گرمارودی، سیاه،نمادی از ظلمت و ستم حاکم بر جامعه و خفقان موجود در آن و یأس و ناامیدی و حاکمیّت فساد است .

سیه تراز شب دیجور ما نیست به جزمهررخت خورشید ماکیست؟

(چمن لاله،تو بازآ)

www.SID.ir

Archive of SID

سیاه و شب، نمادی از ظلمت حاکم بر زندگی شاعر و تاریکی جامعهٔ اوست و خورشید، نمادی از امام زمان (عج) است :

- شب است و شب، سیاهی، سیاهی/ غم و غم ، بی پناهی ، بی پناهی(چمن لاله، تو بازآ)

- ناگاه خنجری سیاه بر آمد به قلب خورشید (درسایه سار نخل ولایت ،ناگاه خنجری سیاه بر آمد.)

و گاه نشانهٔ عزا و ماتم است :

بهارا ، سیه پوش و غمگین نشین میـارای بیهوده روی زمیـن(سرود رگبار ، بهار خون)

چو دامن بنفشه سیه باد جامه ام آوای وطن زسوگ به خون خفته های تو

(سرود رگبار، ترکیب بند وطن)

٤- سپیدی: سپیدی نیز نماد پاکی ، روشنی و آزادی است که از آن در تصویر سازی استفاده کرده است:

در من آویز ای دو بازوی امید روشنایم کن تو ای صبح سپید

(سرود رگبار ، روح مجنون رو سفید از عشق ماست)

باید سفید را به افریقا فرستاد و سپیدی را تبعید کرد . (خط خون ، فرصت کم است)

٥.زرد : این رنگ، بعنوان نمادی از تنفّر ، ترس،شرمساری و بیماری در اشعار او به کار رفته است :

زرد است به رنگ جبن . (خط خون ، برخیز واژه ای پیدا کن)

ای بذر غم و شکوفهٔ درد بر دشت عمیق خون ، گل زرد

(چمن لاله ، افراشت باد قامت غم)

www.SID.ir

Archive of SID

و گاه نمادی از ستم و سردی روابط انسانی است :

و روزگاری بود و فصل زرد و زبون / از برون بهاری بود/ کنارخانهٔ دلهای ما که باورداشت/ درخت لاغری آرام رست و ریشه دواند (عبور ، در سوگ آن درخت که ایستاد و مرد.)

در شعر مذکور که در سوگ آل احمد سروده شد؛ زردی نمادی از پژمردگی و زبونی و خمیدگی مردان روزگار است که در زیر ستم حاکمان زمان ، ناتوان و سست شدند.

٦- رنگ آبی : این رنگ نیز گاهی بعنوان نماد آرامش و آسایش در دیوان او بکار رفته است .

- واژگانی بیاب که رنگ انواع خون را تواند نوشت/ خونی که می‌دهی ....خونی که آبی است با رنگ عشق . (خط خون ، برخیز واژه های بیاب)

۷- رنگ ارغوانی: ارغوانی که همان سرخ است؛ درمفهوم شهادت و شادابی استفاده کرده است :

که دلهاشان ازارتفاع شب / سبکتراست / وپیش ازحادثه / ارغوانی اند/ و درطیلسان خون، ازخفّاشان نمی هراسند. (باران اخم)

حادثه ، حادثهٔ شهادت است وارغوانی- که سرخ رنگ است- رنگ شهادت و نشاط قبل از وصال است که چهره را گلگون می نماید .

نتیجه‌گیری

نماد ،حاصل ضمیر ناخودآگاه انسان است و همواره درطول روزگارحیات، ازعمده ترین نحوهٔ اندیشیدن بشر بوده است ودر بسیاری از مکاتب ،وادی آرمانخواهی وکمال مطلوب است. از آنجا که زمینه های نمادین رنگ، به عواملی چون محیط جغرافیایی و اجتماعی ، بن مایه های دینی، فرهنگی وخصایص روحی

www.SID.ir

Archive of SID

وروانی انسان بستگی دارد. شاعران معاصر نیز برای شرح و بسط معانی ذهنی و مقاصد نهایی خویش،بسته به چگونگی تأثّرآنان از زمینه‌های مذکور، دست به نماد پردازیهای رنگین زده‌اند. براین اساس می توان بیان کرد:

۱. از آنجا که یکی از راههای آشنایی زدایی در زبان، روی آوردن به نماد پردازی است؛ شاعران از ظرفیّت نمادین رنگها برای تشخّص زبانی و آشنایی زدایی و بیگانه سازی زبان استفاده نموده اند و از این میان شاملو و زبان شعری او زبانزد است .

۲.درباری نبودن وهمچون قدما تابع سنّت شعری وحاکمیّت قواعد سنّتی آن نبودن ازسویی، وماهیّت سیاسی ـ اجتماعی شاعران معاصرو قائل شدن به تعهّد دررسالات اجتماعی و روشنگری وآگاهی بخشی جامعه ازسویی دیگر، به سیطرهٔ مسائل ومضامین سیاسی واجتماعی برزمینه‌های نمادین رنگهامنجرگشته است .

۳.بینش فردی و ابداعی اکثر شاعران معاصر نسبت به هستی و تأثّرات ژرف آنان از حوادث و تحوّلات فردی و اجتماعی در ضمیر ناخودآگاه، منجر به رشد و غلبهٔ تصاویر نمادین شخصی و خصوصی بر پیکرهٔ نمادین یا زمینه های نمادین اشعار معاصر گشته است که در گذشته کمتر یافت می‌شود؛ زیرا دیوان شعرای کلاسیک به دلیل گرفتار شدن در گرداب تقلید و تکرار ـ که ناشی از سنّت گرایی آنان بود ـ سرشار از نمادهای قراردادی و عمومی است .

٤.به علّت غلبهٔ حوادث شخصی و اجتماعی بر روحیّهٔ شاعران معاصر ، آنگاه که بارقه‌های امید در دلهایشان شعله می‌افکند؛ رنگهای روشن و آنگاه که اهریمن شکست و نا امیدی برذهن و دلشان سایه می‌گسترد؛ رنگهای تیره، فضای نمادین اشعار آنان را پر می کند .

www.SID.ir

Archive of SID

۵.نوع نگرش و جهان بینی هر یک از شاعران در شرح و بسط و القای مفاهیم و معانی ذهنی، در گزینش و کاربرد نمادین رنگها بسیار مؤثّر بوده است . مثلاً نگرش عاشقانه و خوش باورانه سپهری منجر به کاربرد وسیع زمینه های نمادین رنگ سبز و آبی در اشعار او شده است وجهان بینی مذهبی وآرمانگرایی گرمارودی،کاربرد نمادین رنگ سرخ را دراشعار او وسعت بخشیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱-اسماعیل‌پور، ابو القاسم.(۱۳۷۷). **اسطوره وبیان نمادین**.چاپ اوّل. تهران: انتشارات سروش.

۲-احمدی،بابک.(۱۳۷۸). **ساختار وتأویل متن**.چاپ چهارم.تهران: انتشارات مرکز .

۳-ایتن، یوهانس. (۱۳٦۷). **کتاب رنگ**. ترجمهٔ محمّد حسین حلیمی.چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره.

٤-بایار، ژان پیر. (۱۳۷٦). **رمز پردازی آتش** .ترجمهٔ جلال ستّاری. چاپ اوّل.تهران: نشر مرکز.

٥-براهنی، رضا. (۱۳٥۸). **طلا در مس**.چاپ سوم.تهران:نشر زمان.

٦-بیهقی،ابو الفضل .(۱۳۷٦). **تاریخ بیهقی**. به کوشش خلیل خطیب رهبر.چاپ ششم.تهران: انتشارات مهتاب.

۷-پاک‌نژاد،سیّدرضا.(۱۳٦۱).**اوّلین‌دانشگاه‌وآخرین‌پیامبر**.جلدهجدهم تهران : انتشارات کتاب فروشی اسلامی .

۸-پورنامداریان،تقی.(۱۳۷٥).**رمزوداستانهای‌رمزی**.چاپ چهارم.تهران:انتشارات علمی وفرهنگی.

۹- پورنامداریان، تقی.(۱۳۷۷). **خانه‌ام ابری است**.چاپ اوّل. تهران: انتشارات سروش.

۱۰-توکّلی،حمید.(۱۳۷۸).**رنگ درتصویرسینمایی**.پایان نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ هنر.دانشگاه تربیت مدرّس.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱-خرّمشاهی،بهاءالدّین.(۱۳۷۱).**حافظ‌نامه**.چاپ‌چهارم.جلد اول.تهران:انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲- سپهری، سهراب .(۱۳۷۰). **اتاق آبی**. چاپ دوم. تهران:انتشارات سروش.

۱۳- سپهری، سهراب.(۱۳۸۰).**هشت کتاب**.چاپ سی ام.تهران:انتشارات طهوری.

۱٤- ستّاری، جلال .(۱۳٦٦).**رمز ومثل در روانکاوی**.چاپ اوّل.تهران: انتشارات توس.

۱۵- سیّد حسینی ،رضا .(۱۳۷٦). **مکتبهای ادبی**.چاپ دهم.تهران:انتشارات نگاه.

۱٦-شفیعی کدکنی،محمّد رضا.(۱۳۷۸). **صور خیال در شعر فارسی**. چاپ هفتم. انتشارات آگاه.

۱۷- شمیسا، سیروس .(۱۳۷۸). **نقد ادبی**. چاپ اوّل. تهران: انتشارات فردوس.

۱۸-شمیسا، سیروس . (۱۳۷٦) . **نگاهی به سهراب سپهری** .چاپ هفتـــم. تهران: انتشارات مروارید.

۱۹-عابدی،کامیار.(۱۳۷٦). **از مصاحبت آفتاب**.چاپ سوم.نشر ثالث.

۲۰- عبد الرّزّاق کاشانی .(۱۳۷٦). **اصطلاحات الصّوفیه**.ترجمه وشرح محمّد علی مودود لاری.به کوشش گل بابا سعیدی.چاپ اوّل.انتشارات حوزهٔ هنری.

۲۱- علی اکبر زاده، مهدی. (۱۳۷۸). **رنگ وتربیت**.چاپ دوم.تهران:انتشارات میشا.

۲۲-کارکیا ،فرزانه.(۱۳۷۵). **رنگ ، بهره‌وری ونو آوری**.چاپ اوّل .انتشارات دانشگاه تهران.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۳-کاشفی‌سبزواری ، واعظ . (۱۳٤۸) . **فتوّت نامهٔ سلطانی** . به اهتمام دکترجعفرمحجوب . چاپ اوّل . تهران : انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۲٤- مقدادی ، بهرام . (۱۳۷۸) .**فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی** .چاپ اوّل.تهران:انتشارات فکر روز.

۲۵- مولوی، جلال الدّین محمّد.(۱۳۷۲). **مثنوی معنوی**.تصحیح نیکلسون.چاپ سوم.تهران: انتشارات شرق.

۲٦- موسوی گرمارودی،سیّد علی .(۱۳۷۸). **دستچین**.چاپ اوّل.دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۷- ---------- .(۱۳٦۳) .**چمن لاله**.چاپ اوّل.تهران:انتشارات زوّار.

۲۸- ---------- .(۱۳٦۳).**خط خون**.چاپ اوّل.تهران: انتشارات زوّار.

۲۹----------.(۱۳۵۸).**درسایه سارنخل ولایت**.چاپ دوم.تهران:دفترنشر فرهنگ اسلامی.

۳۰- ---------- .(۱۳۵۷). **در فصل مردن سرخ**.چاپ اوّل.انتشارات راه امام.

۳۱- ---------- .(۱۳۵۷). **سرود رگبار**.چاپ دوم.انتشارات رواق.

۳۲- ---------- .(۱۳۵٦). **عبور**.چاپ دوم. انتشارات رز.

۳۳- ---------- .(۱۳۸۰).**گزینهٔ اشعار**.به کوشش بهاء الدّین خرّمشاهی. چاپ دوم.انتشارات مروارید.

www.SID.ir

Archive of SID

۳٤- نیما یوشیج .(۱۳۷۱). **کلّیّات اشعار**.به کوشش سیروس طاهباز. چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه.

www.SID.ir